

# عجایب الاقالیم السبعه الی نهایه العماره اثری دقیق از مؤلفی گمنام

"حمدالله مستوفی قزوینی" شایان ذکر است. او که دست اندرکار امور مالیاتی بوده اطلاعات گرانبهای در مورد شهرها به دست می دهد. از این مجموعه کتاب "هفت اقلیم" نوشته امین احمد رازی به ذکر بلاد و مشاهیر آنها می پردازد. اگر در دنبال سخن از "صورة الارض" نوشته "ابن حوقل"، "البلدان" نوشته "ابن الفقیه"، "الاعلاق النفیسه" نوشته "ابن رسته" و دهها کتاب بیاید باز هم حق مطلب ادا نشده و چنانکه سفرنامه های چون "رحله ابن جبیر"، "رحله ابن بطوطه"، "سفرنامه ابن فضلان" و آثار تاریخی محلی چون "تاریخ بخارا" نوشته نرشخی، "تاریخ بیهقی" نوشته "ابن فندق" و مانند آن ها را بیفزاییم مثنوی هفتاد من کاغذ شود. بالین حال هر یک از این آثار و ویژگیهای خاص خود را دارند.

در این میان کتاب تازه انتشارات یافته "عجایب الاقالیم السبعه الی نهایه العماره" نوشته نویسنده ناشناخته ای بنام "سهراب" نیز نشان و ارزش خاص خود را دارد. آقای دکتر حسین قره چانلو که این کتاب با ترجمه همت ایشان به زیور طبع آراسته شده (و پیش از این نیز با انجام ترجمه و تحقیق در عرصه جغرافیایی تاریخی در این زمینه صاحب نام شده اند) در معرفی کتاب و نویسنده آن آورده است: نام مؤلف کتاب "عجایب الاقالیم السبعه الی نهایه العماره" تاکنون در ابهام و پیچیدگی است. او در مقدمه کتاب با اختصار تمام خود را بنده فقیر سهراب نامیده و چنین چیزی میان مؤلفان مسلمان کمتر سابقه دارد. این نام تقریباً کلمه ای بیگانه است. شاید خواسته که بدین وسیله دیگران را گمراه کرده باشد. بهر حال بعضی ها مؤلف کتاب را "ابن سراسپون" نامیده اند که گویا بانام طبیب معروف آن دوران اختلاطی رخ داده است. عده ای هم او را "ابوالحسن بن بهلول" نامیده اند. از تاریخ تولد و وفات او اطلاع درستی در دست نیست. همین قدر معلوم است که کتاب خود را نیمه اول قرن چهارم هجری نوشته است. ایشان سپس به ابراز تردیدهایی که درباره این کتاب وجود دارد و شباهت های آن با کتاب "صورة الارض" "خورزمی" پرداخته،

دانش جغرافیا از جمله دانشهای مورد توجه مسلمانان در بخش اعظم تاریخ تمدن اسلامی بوده است. توجه به جغرافیا از ضرورت های متعددی ناشی می شد که مسلمانان با آن مواجه بودند. از جمله تعیین قبله، یافتن مسیرهای دریایی وزمینی، مشخص کردن فاصله شهرها، بهره برداری از معادن و منابع، برآورد میزان مالیات اراضی، تجدید مرزها و مواردی بسیار از این قبیل، و سرانجام ذکر عجایب سرزمینها و دریاهای که موجب حیرت همگان و توجه عموم به نواحی دور و نزدیک می شود. به همین جهت تألیف کتب جغرافیایی در دوره تمدن اسلامی امری مرسوم و متداول بوده که توسط عمال دولتی، مطلعین به امر خراج دیرید یا بازرگانان و سیاحان صورت می گرفته است. از موارد مشهور کتابهای جغرافیا در آن روزگار که اکنون جزو منابع جغرافیایی تاریخی به شمار می آیند کتب "مسالك و ممالک" است که در معرفت مسافت راهها و فواصل شهرها می باشد "مسالك و ممالک" نوشته ابن خردادبه که حاوی مطالب سودمندی درباره مالیات و سوابق تاریخی نقاط مختلف می باشد از این منابع می باشد. همچنین می توان به "مسالك و ممالک" نوشته "اطخری" که در علاوه بر فواصل به ذکر ویژگیهای اقتصادی مناطق نیز، می پردازد. اشاره داشت کتاب "حدود العالم من المشرق الی المغرب" که توسط مؤلفی ناشناس در قرن چهارم پدید آمده بیشتر صورت یک دائرة المعارف را دارد و کتاب جغرافیایی همزمان آن به نام "اشکال العالم" نوشته "جیهانی" صورت توصیفی بخود گرفته است. اثر ارزشمند "مقدسی" با عنوان "احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم" توأم با نظریه پردازیهایی بسیار و ارائه تقسیمات ابداعی در مورد ممالک و ذکر خصوصیات فرهنگی آنهاست. در قرن هفتم کتاب "جهان نامه" نوشته محمد بن نجیب بیکران و "آثار البلاد و اخبار العباد" نوشته محمد بن زکریای قزوینی و سرانجام "معجم البلدان" نوشته پسر ارزش "یاقوت حموی" قابل ذکر هستند. در دنباله این آثار در قرن هشتم کتاب "نزهة القلوب" نوشته

نجوم، جهت تشخیص طول و عرض جغرافیایی نقاط مختلف داشته است. در همان حال مؤلف کتاب، اساس کار خود را بر پایه شناخت اقلیمها که دانش مشترک میان جغرافیا و نجوم بوده گذاشته و به واسطه کتاب، دستورالعمل و راهنمایهای لازم برای درک موقعیت و محدوده اقلیمها را ارائه نموده است. او نیز مانند دیگر همعصران خود اقلیمها را به هفت مورد تقسیم نموده و معموره عالم را بر اساس آنها مشخص می سازد و مسافت هر اقلیم به سیاره و برج مربوطه را متذکر می شود.

قسمت اول کتاب اختصاص به معرفی اقلیمها داشته و سپس با ذکر نام شهرها، به بیان طول و عرض جغرافیایی آنها می پردازد. در سراسر متن، این کتاب با "صورة الارض" خوارزمی تطبیق داده شده و نتایج تطبیق به صورت زیرنویس ارائه گردیده است. تنها در قسمت چهارم و مبحث کوهها زیر نویسها مبدل به توضیحاتی شده که این امر مانع از یکسانی کار کتاب شده است. در قسمت اول، علاوه بر بحث اقلیمها، حتی شهرهایی که در آنسوی اقلیم هفتم واقع بوده اند - یعنی خارج از هفت اقلیم بوده اند - و مرز شهرها نیز معرفی شده اند. قسمت دوم بحث درباره دریاها و شعب رودخانهها و تقسیمات مربوط به آنهاست.

قسمت سوم مبحث جزیرهها و دریاچههاست. این دو قسمت شباهت تام و تمام به اطلاعات جغرافیایی دریاوردی امروزی دارد. قسمت چهارم مبحث کوهها است که با ذکر طول و عرض جغرافیایی محل، استقرار آنها به نحوی جالب از رنگ آن کوهها و نیز جهت قله آنها صحبت می کند که این امری است که کمتر سابقه داشته است. قسمت پنجم مبحث رودها و چشمهها است. بحث درباره چشمهها آنها هم به صورت مستقل نیز مبحث تازه ای است که در ستون جغرافیایی قدیم کمتر سابقه دارد. در تمامی این قسمتها نیز سبک واحد کتاب که تقسیم زمین به هفت اقلیم و ارائه موقعیت جغرافیایی هر پدیده براساس طول و عرض آن می باشد، رعایت شده است.

در پایان قسمت رودها و چشمهها، در صفحه ۲۹۶، کتاب بدون هیچ نشانه و تذکری پایان می یابد. بدون شک این کتاب دارای روشن قابل اعتنا و درخور توجه در جغرافیاست و در توسعه و تدقیق مباحث جغرافیایی تاریخی بسیار مفید واقع خواهد شد.

عبدالرسول خیراندیش

اما مقدمه کوتاه مترجم بر این کتاب سرانجام پر نور روشنی بخش کاملی بر آنمی افکند. حتی با وجود آنکه ایشان مترجم کتاب هستند اما مشخص نشده که از کدام چاپ یا نسخه اقدام به ترجمه نموده اند. بالین همه علیرغم ارزش بسیار کتاب و درخور تقدیر بودن کار مترجم، متأسفانه کتاب از نقائص دیگری چون فقدان فهرست تفصیلی مندرجات، فهرست اعلام و ختم یکباره برخوردار است، به طوری که موجب برانگیختن ابهام در خواننده می شود، لذا با در نظر داشتن ارزش فراوان این کتاب لازم می نمود که مترجم و ناشر محترم دقت بیشتری در نشر این کتاب نشان می دادند. اگر چه کتاب عجایب الاقالیم سبعة را در برخوردی ساده می توان در ردیف کتابهای جغرافیایی تاریخی به شمار آورد، اما با همه کتابهای از این دست این تفاوت را دارد که مرزهای تاریخ و گذشته را درنور دیده و امروز نیز می تواند به عنوان مأخذی قابل اعتنا بکار آید. دلیل آن نیز تکیه و تأکید فراوان کتاب بر جغرافیای ریاضی است. جغرافیای ریاضی که با موقعیت مطلق براساس طول و عرض جغرافیایی سر و کار دارد بر خلاف دیگر اصطلاحات جغرافیایی بر اثر گذشت زمان اعتبار و ارزش خود را از دست نمی دهد. در حالیکه در دیگر کتب جغرافیا که متکی به شناسایی نسبی موقعیتها هستند چنین امری وجود ندارد.

در سراسر این کتاب همه اعلام جغرافیایی با ذکر طول و عرض جغرافیایی آنها مشخص شده و این علاوه بر اهمیت و فایده ای که در فوق به آن اشاره شده متضمن این ویژگی نیز هست که می تواند موقعیت دقیق مکانها را هم اکنون نیز مشخص کرد و ابهامها و اشکالهای متعددی که در کتب جغرافیایی قدیم برای تشخیص موقعیت شهرها و آبادیها وجود داشته را حل کرد. متأسفانه به دلیل مشکلات مسافرت و کسب اطلاعات جغرافیایی بسیاری از کتابهای قدیم بر اساس مسموعات یا رونویس آثار قبلی است و لذا موارد غیر دقیق تا غلط در آنها بسیار دیده می شود و بعضاً موجب سرگردانی و اشتباه محققان می شود. کم بوده اند محققانی چون "بارتولد" مؤلف "ترکستان نامه" و "لسترنج" مؤلف "جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی" که تلفیقی موزون از اقوال متعدد و گاهی متفاوت جغرافیایی تاریخی بوجود آورد. این ویژگی مهم اثر جغرافیایی سهراب، ما را به تأکید بر این نکته مهم می خواند که او یا هر کس دیگری که فراهم آورنده این اثر است، اطلاعات دقیقی از علم